



اصلاح طلبان و انتخابات پیش رو

یادداشتی از احمد زیدآبادی

درباره صف‌بندی‌های ریاست جمهوری چهاردهم



گزارش
اقتصاد

۱۵

بر زمین مانده‌ها

مرور ۱۰ وعده اقتصادی دولت سیزدهم

و موضوعی که نامزدها در مقابل آن باید داشته باشند



روایت تکان‌دهنده

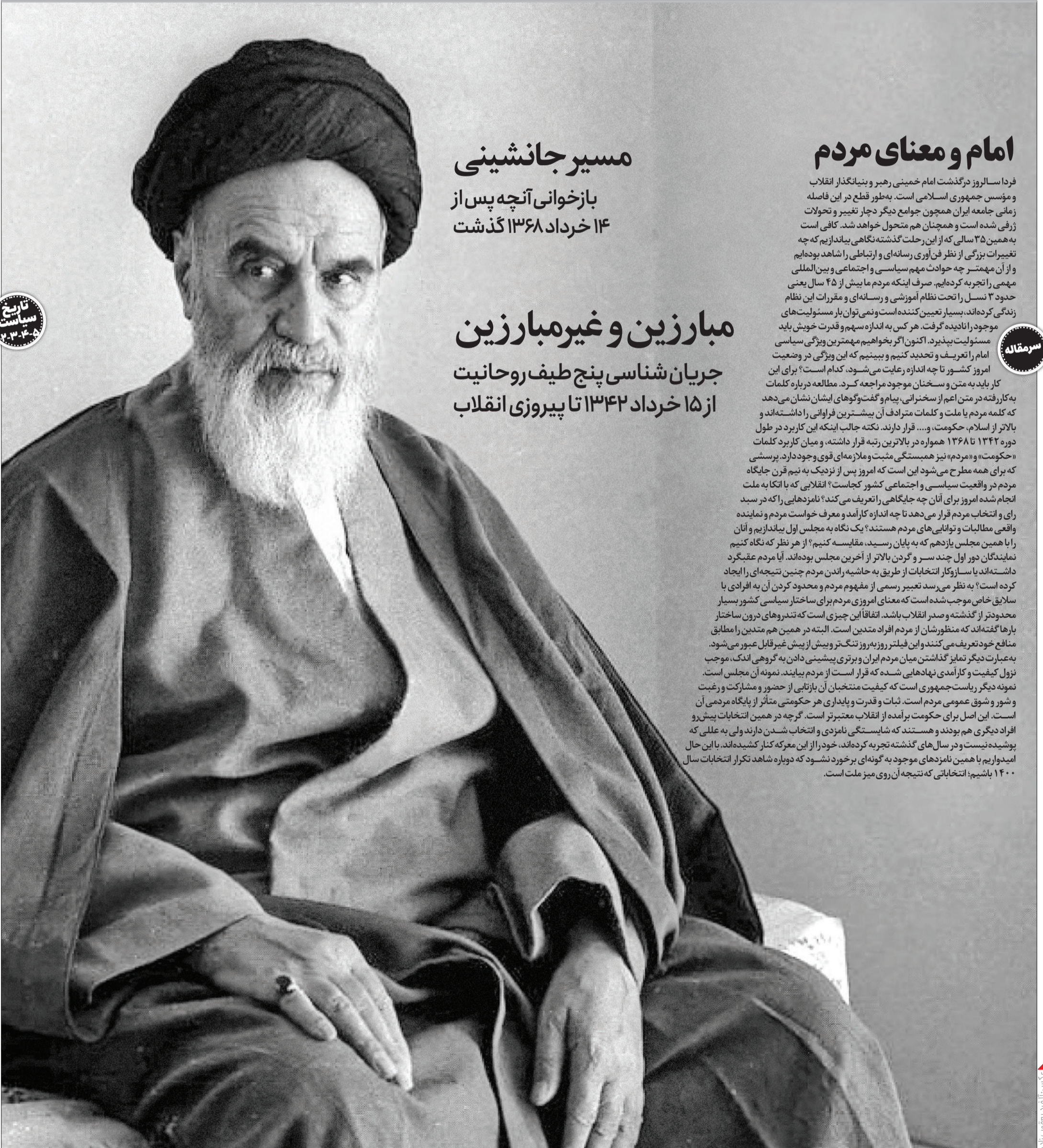
گزارش **الناز محمدی** از وضعیت آوارگان اردوگاه رفح

در گفت‌وگو با تعدادی از بازماندگان



کلیسا رویاروی دولت

اعتراضات مردمی در ارمنستان به دنبال چیست؟



مسیر جانشینی

بازخوانی آنچه پس از

۱۴ خرداد ۱۳۶۸ گذشت

مبارزین و غیرمبارزین

جریان شناسی پنج طیف روحانیت

از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب

امام و معنای مردم

فردا سالروز درگذشت امام خمینی رهبر و بنیانگذار انقلاب و مؤسس جمهوری اسلامی است. به‌طور قطع در این فاصله زمانی جامعه ایران همچون جوامع دیگر دچار تغییر و تحولات ژرفی شده است و همچنان هم متحول خواهد شد. کافی است به همین ۳۵ سالی که از این رحلت گذشته‌نگاهی بیاندازیم که چه تغییرات بزرگی از نظر فن‌آوری رسانه‌ای و ارتباطی را شاهد بوده‌ایم و از آن مهمتر چه حوادث مهم سیاسی و اجتماعی و بین‌المللی مهمی را تجربه کرده‌ایم. صرف اینکه مردم ما بیش از ۴۵ سال یعنی حدود ۳ نسل را تحت نظام آموزشی و رسانه‌ای و مقررات این نظام زندگی کرده‌اند، بسیار تعیین‌کننده است و نمی‌توان بار مسئولیت‌های موجود را نادیده گرفت. هر کس به اندازه سهم و قدرت خویش باید مسئولیت بپذیرد. اکنون اگر بخواهیم مهم‌ترین ویژگی سیاسی امام را تعریف و تحدید کنیم و ببینیم که این ویژگی در وضعیت امروز کشور تا چه اندازه رعایت می‌شود، کدام است؟ برای این کار باید به متن و سخنان موجود مراجعه کرد. مطالعه درباره کلمات به‌کاررفته در متن اعم از سخنرانی، پیام و گفت‌وگوهای ایشان نشان می‌دهد که کلمه مردم یا ملت و کلمات مترادف آن بیشترین فراوانی را داشته‌اند و بالاتر از اسلام، حکومت، و... قرار دارند. نکته جالب اینکه این کاربرد در طول دوره ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۸ همواره در بالاترین رتبه قرار داشته، و میان کاربرد کلمات «حکومت» و «مردم» نیز همبستگی مثبت و ملازمه‌های قوی وجود دارد. پرسشی که برای همه مطرح می‌شود این است که امروز پس از نزدیک به نیم قرن جایگاه مردم در واقعیت سیاسی و اجتماعی کشور کجاست؟ انقلابی که با اتکا به ملت انجام شده امروز برای آنان چه جایگاهی را تعریف می‌کند؟ نامزدهایی را که در سید رای و انتخاب مردم قرار می‌دهد تا چه اندازه کارآمد و معرف خواست مردم و نماینده واقعی مطالبات و توانایی‌های مردم هستند؟ یک نگاه به مجلس اول بیاندازیم و آنان را با همین مجلس یازدهم که به پایان رسید، مقایسه کنیم؟ از هر نظر که نگاه کنیم نمایندگان دور اول چند سر و گردن بالاتر از آخرین مجلس بوده‌اند. آیا مردم عقبگرد داشته‌اند یا سازوکار انتخابات از طریق به حاشیه راندن مردم چنین نتیجه‌ای را ایجاد کرده است؟ به نظر می‌رسد تعبیر رسمی از مفهوم مردم و محدود کردن آن به افرادی با سلیق خاص موجب شده است که معنای امروزی مردم برای ساختار سیاسی کشور بسیار محدودتر از گذشته و صدر انقلاب باشد. اتفاقاً این چیزی است که تئوری‌های درون ساختار بارها گفته‌اند که منظورشان از مردم افراد متدین است. البته در همین هم متدین را مطابق منافع خود تعریف می‌کنند و این فیلتر روزبه‌روز تنگ‌تر و بیش از پیش غیرقابل عبور می‌شود. به عبارت دیگر تمایز گذاشتن میان مردم ایران و برتری پیشینی دادن به گروهی اندک، موجب نزول کیفیت و کارآمدی نهادهایی شده که قرار است از مردم نمایندگی بگیرند. نمونه دیگر ریاست جمهوری است که کیفیت منتخبان آن بازتابی از حضور و مشارکت و رغبت و شور و شوق عمومی مردم است. ثبات و قدرت و پایداری هر حکومتی متأثر از پایگاه مردمی آن است. این اصل برای حکومت برآمده از انقلاب معتبرتر است. گرچه در همین انتخابات پیش‌رو افراد دیگری هم بودند و هستند که شایستگی نامزدی و انتخاب شدن دارند ولی به علی که پوشیده نیست و در سال‌های گذشته تجربه کرده‌اند، خود را از این معرکه کنار کشیده‌اند. با این حال امیدواریم با همین نامزدهای موجود به گونه‌ای برخورد نشود که دوباره شاهد تکرار انتخابات سال ۱۴۰۰ باشیم؛ انتخاباتی که نتیجه آن روی میز ملت است.

سرمقاله

تاریخ
سیاست
۲۰۳۰-۶